

نقد مقابله ای ترجمه های قرآن کریم

«پنج مترجم فرهیخته: آیتی، حداد عادل، خرمشاهی، فولادوند و مکارم شیرازی +

نویسنده»

محمد حسن تقیّه^۱

چکیده

ترجمه متون مقدس و دینی - به ویژه قرآن کریم - به ۳ رکن نیاز دارد: الف - تخصص زبانی؛ ب - حرفه ای بودن در ترجمه؛ ج - موضوع. بی گمان نداشتن زبان و نثر معیار، سفارشی بودن بیشتر ترجمه ها، استفاده نکردن بیشتر مترجمان قرآن از فرهنگ لغات یک و یا دو زبانه، امانت دار لفظ بودن تا معنا، و گنگ و نامفهوم بودن از جمله مشکلات ترجمه های قرآن مجید است. بی گمان خود قرآن کریم هیچ گونه «ابهام»ی ندارد. اگر در ترجمه متون دیگر مانند متون علمی و ادبی اشتباهی رخ دهد، در نهایت یک اشتباه است اما در ترجمه متون دینی - به ویژه قرآن کریم - موضوع فرق می کند. و حیاتی بودن، ارتباط مستقیم با عقیده دین مداران و کهن بودن موجب فرق داشتن متن قرآن کریم با دیگر متون شده است. پژوهشگر در این اثر پژوهشی ترجمه آیه هایی از قرآن کریم را از پنج مترجم برجسته کشور «آیتی، حداد عادل، خرمشاهی، فولادوند و مکارم شیرازی» را برگزیده است. سپس برای این که تنها به نقد دیگران نپرداخته باشد ترجمه خود را نیز در پایان ترجمه ها آورده است. در این میان نکته ای ترجمه ای برای هر آیه مبارک را نیز یادآور می کند تا با عرضه ترجمه های گوناگون، دست مخاطب برای انتخاب ترجمه روان تر و فصیح تر باز باشد.

کلید واژه ها: قرآن کریم، ترجمه، نقد ترجمه، منتقد، آیتی، حداد عادل، خرمشاهی، فولادوند، مکارم شیرازی

۱- مقدمه

پیش از ورود به این پژوهش لازم است با توجه به حساسیت بالای موضوع دیدگاه منتقد نسبت به مترجمان فرهیخته قرآن کریم روشن گردد. از دید پژوهشگر جایگاه علمی، دینی، اجتماعی و فرهنگی همه مترجمان قرآن کریم والا و ستودنی است. ولی این عقیده موجب نخواهد شد منتقد نکته‌های نقد آمیز خود را بی پرده و صریح بیان نکند. پژوهشگران و محققان بهتر می‌دانند که علی‌رغم در نظر گرفتن شأن علمی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی مؤلفان و مترجمان، نباید از ساحت منطق و بنیاد علمی عقب نشست بنا بر این نگارنده ضمن احترام به مترجمان پیشکسوت بزرگوار قرآن کریم، خود را ناگزیر از بیان نکته‌هایی می‌داند که در نگاه اول شاید به مذاق برخی خوش نشیند. وی ریشه‌چاپلوسی و تمجید نابجا از مترجمان را در نابخردی منتقدان می‌داند. پیامد این چاپلوسی‌ها نادیده گرفتن زیبایی‌های ترجمه‌هاست.

۱-۱- بیان مسأله

ترجمه، چندین معنا دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: الف) انتقال زبانی؛ ب) زندگی‌نامه؛ ج) تفسیر. پژوهشگر در اینجا به معنای سوم خواهد پرداخت.

ترجمه متون مقدس و دینی - به ویژه قرآن کریم - به ۳ رکن نیاز دارد:

الف - تخصص زبانی

ب - حرفه‌ای بودن در ترجمه

ج - موضوع

نزدیک به صد ترجمه فارسی از قرآن کریم در جامعه است. اگر هر مخاطب تیزبینی در میان ترجمه‌های موجود کنکاش کند در این ترجمه‌ها کمتر از ارکان یاد شده نشانی خواهد یافت. قرآن کریم هیچ‌گونه «ابهام»ی ندارد. آنچه ابهام دارد برداشت نادرست مترجم و مخاطب است. مترجم هر چند می‌کوشد همه ابهام‌های موجود برای مخاطب زبان مقصد را در قرآن

تقدّم‌مقابل‌ای ترجمه‌های قرآن کریم ۱۱۱۱۱

معجید از دید خود آشکار و برطرف سازد ولی ترجمه‌های امروزی گویای آن است که این گونه ترجمه‌ها بیشتر «ابهام» آفرینی می‌کنند تا ابهام زدایی.

زیرا ترجمه متون دینی - به ویژه قرآن کریم - به ۳ دلیل سخت و پیچیده است.

الف - وحیانی بودن

ب - با عقیده مردم، مستقیم سرو کار داشتن

ج - کهن بودن متون

از سویی دیگر، بغرنج‌ترین مشکل ترجمه، ناآشنایی مترجم با کاربردهای گوناگون واژه‌ها، جمله‌ها، عبارت‌ها و دیگر عنصرهای تشکیل دهنده زبان است که ما در این جا آنها را «ساختار» می‌نامیم. پس اگر به جنبه کاربردی ترجمه باور داریم بایسته است ساختارها را خوب بشناسیم.

برای شناخت، مطالعه و بررسی بهتر، ساختارهای زبانی را به پنج بخش جداگانه تقسیم کرد:

الف - ساختار نحوی (Syntactical Structure)

ب - ساختار صرفی (Morphological Structure)

ج - ساختار بلاغی (Rhetorical structure)

د - ساختار معنایی - واژگانی (Lexico Semantical Structure)

ه - ساختار آوایی (Phonetical Structure)

گاهی مترجم در ساختار دستوری با مشکل بغرنجی به نام «تفاوت ساختاری دستوری و معنایی زبان‌های مبدأ و مقصد» روبرو می‌شود. در این میان وظیفه مترجم سخت دشوار خواهد بود زیرا وی باید در هر دو زبان تعادل را برقرار سازد. هم‌چنان که وی در ساختار معنایی - واژگانی با چند معنایی روبروست که گاهی این معانی به هم نزدیک هستند. از این رو وی بایستی نزدیک‌ترین معنایی را که درون متن نهفته است بیرون بکشد. البته در فرایند ترجمه انتقال نکته‌ها و چارچوب‌های بلاغت دشوارتر از دیگر ساختارهاست.

در این میان نبایست وظیفه بنیادین مترجم در ساختار معنایی - واژگانی که آشنایی زایی و بیگانه زدایی است نیز به دست فراموشی سپرده شود. هم چنان که وی در متن زبان مبدأ به «اصطلاح» بر می خورد که برابری آن باید بسیار دقیق و حساب شده باشد. در نتیجه یک مترجم موفق نباید متن زبان مبدأ را تنها از یک دریچه و دیدگاه به زبان مقصد ترجمه کند، بلکه بایستی از جنبه ساختارها و دیدگاه های گوناگون به آن بنگرد تا ترجمه ای درخور و روان به مخاطب خود ارائه دهد.

۱-۲- اهداف

هدف اصلی پژوهشگر آن است که ترجمه های متون دینی - به ویژه قرآن کریم - در بونه نقد قرار گیرد تا چراغ راهی برای مترجمان آینده باشد. البته نویسنده بنا ندارد در باره تک تک ترجمه ها به ابراز نظر پردازد بلکه تنها با آوردن نمونه هایی به چگونگی، نقد و بررسی کلی ترجمه ها می پردازد. ولی برداشت و داوری پایانی را به مخاطب و امی گذارد. شش ترجمه برگزیده قرآن کریم از میان حدود صد ترجمه موجود بدون تغییر - حتی یک ویرگول - پیش روی مخاطب قرار داده می شود تا وی بهترین را برگزیند زیرا بی گمان خواننده، بهترین ارزیاب و منتقد ترجمه است.

۱-۳- پیشینه پژوهش

حدود ده قرن است مترجمان فارسی زبان همه تلاش خود را کرده و می کنند تا با ارزش ترین کتاب دینی جهان اسلام قرآن کریم را برای مخاطبان تشنه مفاهیم و مضامین قرآنی ترجمه کنند. خوشبختانه کارهای خوبی در این زمینه انجام شده است ولی برخی از آنها تکراری است. زیرا ترجمه زیر ذره بین منتقدان کاردان و متخصص قرار نگرفته است. بنا بر این - تا آنجا که اطلاع دارم - نگاهی موشکافانه و عیمی - آکادمی به آنها نشده است. از این رو بیشتر آنها، یا با استقبال روبرو نمی شود و یا جامعه، کمتر به آن روی خوش نشان می دهد. از این رو، پژوهش گر امیدوار است بتواند با نگاهی علمی و آکادمی، زمینه نقد آنها را روشن کند و هدفمند

تقدیر مقابله‌ای ترجمه‌های قرآن کریم ۱۳۱۱

فراهم آورد تا کتاب ارزشمند و گرانبسنگ قرآن کریم بیشتر مورد توجه خوانندگان و دوستدارانش قرار گیرد.

۲- چالش‌ها

الف) چالش اصلی پیش روی ما در ترجمه متون دینی - به ویژه قرآن کریم - امانت دار لفظ بودن مترجم است. بناگزیر ترجمه اش حرفی و معنایی می شود و نه ترجمه ارتباطی. هر چند مترجم باید به لفظ هم توجه کند ولی باید ضمن رعایت امانتداری لفظی بیستر به معنا توجه داشته باشد تا ترجمه اش ارتباطی شود و بتواند بین متن و خواننده از جنس معنا پللی بزند. به اعتقاد نگارنده هدف از ترجمه، انتقال مفهوم متن است و با ترجمه کلمه به کلمه نه تنها کاری پیش نمی رود؛ بلکه گاه معنا دچار تحریف، ابهام و کژتابی می گردد.

مترجمان به دلیل وحیانی بودن قرآن و سواس داشته‌اند که کلمه ای حتی واو هم جا به جا نشود. ولی از آن سوی معنای آیه های مبارک قرآن مجید را تحریف می کنند. این گونه ترجمه ها مشکلات بسیاری را در پی داشته است. این و سواس و تعهد اگر چه قابل احترام است اما از آنجا که در انتقال معنا ایجاد مشکل می کند به هیچ عنوان قابل دفاع نیست. زیرا ترجمه، گنگ و نامفهوم می شود. از این رو به جرات می توان گفت درصد بالایی از مترجمان نمی توانند ترجمه خودشان را هم روخوانی کنند. در صورتی که یکی از اصول ابتدایی، قابل فهم بودن ترجمه، برای خود مترجم است.

ب) یکی دیگر از مشکلات ترجمه قرآن، نداشتن زبان و نثر معیار است. مترجمان نمی دانند زبان و نثر معیار چیست! زبان شناسی مانند معماری ساختمان است که استفاده بهینه از مصالح را درست و بجا آموزش می دهد تا خانه ای ساخته شود. کار مترجم نیز بهره گیری دانش ترجمه است تا هر کلمه و عبارتی را سر جای خودش بهینه استفاده کند. چرا مترجم قرآن در تلویزیون می گوید: افتخارم در ترجمه قرآن این است که واژگان ۸۰۰ سال پیش را آورده‌ام!

ترجمه علم روز است. حتی اگر واژگان به کار رفته در آن مربوط به ۵۰ سال پیش باشد ترجمه‌ای کاربردی به شمار نمی‌آید. بی‌گمان این مترجم چون با زبان شناسی و علم ترجمه بیگانه است، سرخوشانه چنین سخن نابجایی را بر زبان می‌آورد.

ج) مشکل دیگر ترجمه‌های قرآن، سفارشی بودن بیشتر ترجمه‌هاست. این آفت و بدبختی برخی مدیران جامعه ایرانی است که شایسته مدار و نخبه پرور نیستند. بلکه بایسته مدار و پخمه پرور هستند. آیا چون فلان کس مشهور است، شایستگی دارد که قرآن کریم را ترجمه کند؟ باورش سخت است ولی بیشتر ترجمه‌های قرآن این گونه است. باور دارم که در ترجمه‌های قرآن مافیایی عمل می‌شود!

د) از آنجا که بیشتر مترجمان دایره واژگانی محدودی دارند، به نخستین معنای ذهنی خود بسنده می‌کنند. در صورتی که مترجم حتی باید با اصطلاح‌های روز زبان عربی هم آشنا باشد. به نظر می‌رسد بیشتر آنها از فرهنگ لغات یک و یا دو زبانه استفاده نمی‌کنند.

بنا بر این برخی نامترجمان با اندک دانشی از علوم قرآنی و بی‌دانشی از ترجمه‌شناسی به سمت و سوی ترجمه قرآن آمده‌اند. هر کس می‌اندیشد که ترجمه دیگری ایراد دارد و بر آن است تا ترجمه بهتری ارائه دهد. اما کار و اثر نویینی ارائه نمی‌دهد. تنها متن را کمی بالا و پایین و با کلمه‌ها بازی می‌کند. البته بسیار جزئی تغییر می‌دهد. زیرا ویژگی‌های مترجم دینی را ندارد.

ه) ترجمه‌های قرآن به دست منتقدان کار بلد، متخصص و حرفه‌ای علمی و استاندارد نقد نمی‌شود. وضع به گونه‌ای است که قرآن کریم پی‌در پی و بی‌کیفیت ترجمه می‌شود ولی منتقد زبردستی منصفانه آنها را نقد نمی‌کند. از آنجا که مسئولان بخش ترجمه قرآن کریم کشور در موضوع ترجمه تخصص ندارند از نقد سازنده دوری می‌کنند تا ناشایستگی آنها بروز داده نشود.

تقدّمی بر ترجمه‌های قرآن کریم ۱۵۱۱۱

و) وضعیت آشفته و نابسامان در ترجمه متون دینی - به ویژه قرآن کریم - اجازه می‌دهد هر کسی دلش بخواهد به گونه جزیره‌ای وارد این حوزه شود. به جرأت می‌توان گفت هیچ ترجمه‌ای منسجم و یک‌بافت نیست. وضع به گونه‌ای آشفته و نابسامان شده است که در برخی موارد معنا هم تحریف می‌شود. البته باید بدانیم طبق وعده الهی در متن اصلی قرآن چیزی کم، زیاد و حذف نشده است با این وجود جای دریغ دارد که برخی مترجمان قرآن با این گونه ترجمه‌ها ناخواسته به تحریف قرآن برخاسته‌اند.

ز) بسیار بجاست برخی ترجمه‌ها را خیانت بنامیم! زیرا اگر در ترجمه متون دیگر مانند متون علمی و ادبی اشتباهی رخ دهد، در نهایت یک اشتباه اتفاق می‌افتد ولی در ترجمه قرآن پیامدهای زیان باری خواهد داشت که کمترین آن مخاطب‌گریزی است. البته برخی به خاطر معنویت دست به ترجمه قرآن می‌زنند. اما «برخی ترجمه‌ها خدمت به قرآن نیست، بلکه خیانت به اسلام است و باید نسبت به ترجمه‌ها دقت و نظارت بیشتری وجود داشته باشد». (مکارم شیرازی، ناصر، www.khabaronline.ir)

۳- نمونه‌های ترجمه‌ها

منتقد در اینجا ترجمه پنج مترجم دانشمند «آیتی، حداد عادل، خرمشاهی، فولادوند و مکارم شیرازی» را برگزیده، سپس برای این که تنها به نقد دیگران پرداخته باشد ترجمه خود را نیز در پایان ترجمه‌ها آورده است. در این میان نکته‌ای ترجمه‌ای را نیز یادآور می‌شود تا دست مخاطب در انتخاب ترجمه مطلوب و مورد نظر خود باز باشد:

«... وَ كَفَى بِاللّٰهِ وَكِيلًا» (الاحزاب، ۳)

نکته: «وَ كَيْلًا: الرَّازِقُ الْكَافِي (المنجد، ذیل واژه «وکل»)، ... الَّذِي يَقُومُ بِأَمْرِهِ ... تَكْفَلُ»

(لسان العرب، ذیل واژه «وکل»)

آیتی: زیرا خدا کارسازی را بسنده است.

حداد عادل: و این بس که خدا کارساز باشد.

۱۶ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره پیل و پنجم

خرمشاهی: و خداوند کارسازی را بسنده است.

فولادوند: همین بس که خدا نگهبان [تو] است.

مکارم شیرازی: و همین بس که خدا حافظ و مدافع انسان باشد.

تقیه: از این رو پروردگار به اندازه کافی روزی خواهد داد.

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ، زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (الکھف، ۴۶)

نکته: «زِينَةٌ: مَا يَزِينُ مَعْنَوِيًّا» بیشتر به معنای «نیاز روحی و روانی» است. (المنجد في اللغة

العربية المعاصرة، ذیل واژه «زان»)

آیتی: دارایی و فرزند پیرایه های این زندگانی دنیا است.

حداد عادل: مال و فرزندان زینت زندگانی دنیایند.

خرمشاهی: اموال و پسران، تجمل زندگی دنیوی است،

فولادوند: مال و پسران زیور زندگی دنیایند.

مکارم شیرازی: مال و فرزندان، زینت حیات دنیا هستند،

تقیه: ثروت و فرزند نیاز روحی و روانی زندگی دنیا است.

«اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (آل عمران، ۴)

نکته: العزیز: «القوی ولا یُعجزه شیء» (المنجد في اللغة العربية المعاصرة ذیل واژه

«عزّ») و در زبان فارسی تنها به معنای «گرامی، ارجمند، ...» آمده است که درست نیست.

(فرهنگ معین، ذیل واژه «عزیز») «انْتَقَمَ مِنْهُ: عَاقِبُهُ» او را کیفر داد و مجازات کرد.

(المنجد في اللغة العربية المعاصرة، ذیل واژه «نقم») «انتقام» در زبان فارسی به معنای

«کینه توزی، کینه خواستن و...» آمده است. (فرهنگ معین، ذیل واژه «انتقام») و در عرف

معنای منفی دارد بنا بر این بی گمان خدای بزرگ از معنای منفی آن به دور است.

آیتی: خدا پیروزمند و انتقام گیرنده است.

حداد عادل: خدا پیروزمندی دادستاننده است.

تقدّمات برای ترجمه های قرآن کریم ۱۷۱۱۱

خرمشاهی: خداوند پیروزمند دادستان است.

فولادوند: خداوند، شکست ناپذیر و صاحب انتقام است.

مکارم شیرازی: خداوند (برای کیفرِ بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام است.

تقیه: خداوند نیرومند است و سخت کیفر می دهد.

«وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (النساء، ۵)

نکته: **القول**: الرأى والمعتقد. والجمع: أقوال. (المعجم الوسيط، ذیل واژه «قول») ... **فأما**

تَجُوزُهُمْ فِي تَسْمِيَتِهِمُ الْاِعْتِقَادَاتِ وَالْاِرَاءِ قَوْلًا فَلَانَ الْاِعْتِقَادِ يَخْفَى فَلَا يَعْرِفُ اِلَّا

بِالْقَوْلِ (لسان العرب، ذیل واژه «قول»)

آیتی: و با آنان سخن به نیکی گوید.

حداد عادل: با آنها به خوبی سخن بگویند.

خرمشاهی: و با آنان به زبان خوش سخن بگویند

فولادوند: و با آنان سخنی پسندیده بگویند.

مکارم شیرازی: و با آنها سخن شایسته بگویند!

تقیه: البته با - نابخردان - بسیار سنجیده نظر بدهید.

«إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ» (الشرح، ۸)

نکته: دستور زبان مبدأ رعایت نشده است: «رَغِبَ إِلَى ... : طَلَبَ». فعل «رَغِبَ» با حرف جر

«فِي» به معنای «دوست داشتن»، با «عَن» به معنای «بیزار بودن» و با «إِلَى»، به معنای «خواستن» می

آید. (شرتونی، ۱۳۹۰، ۲۲)

آیتی: و به پروردگارت مشتاق شو.

حداد عادل: با رغبت به جانب پروردگار خود روی کن.

خرمشاهی: و به سوی پروردگارت بگرای

فولادوند: با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور.

۱۸ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره چهل و پنجم

مکارم شیرازی: و به سوی پروردگارت توجه کن!

تقیه: از پروردگارت کمک بخواه.

«وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» (آل عمران، ۱۵)

نکته: «البصيرة: معرفة من أمرکم و یقین» (لسان العرب، ذیل واژه «بصر»)

آیتی: و خدا از حال بندگان آگاه است:

حداد عادل: خدا به احوال بندگان بیناست.

خرمشاهی: و خدا بر [احوال] بندگانش بیناست.

فولادوند: و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست.

مکارم شیرازی: و خدا به (امور) بندگان، بیناست.

تقیه: خداوند حال بندگانش را درک می کند.

«مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى» (النجم، ۱۷)

نکته: «زاغ عن البصر، عدل» (لسان العرب، ذیل واژه «عدل»)

آیتی: چشم خطا نکرد و از حد درنگذشت.

حداد عادل: چشم او منحرف نشد و خطا نکرد.

خرمشاهی: دیده [اش] کژتابی و سرپیچی نکرد.

فولادوند: دیده [اش] منحرف نگشت و [از حد] در نگذشت.

مکارم شیرازی: چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیت بود)

تقیه: چشمان رسول خدا نه آستینگ مات بود و نه بیماری چشمی داشت.

«قُلْنَا يَا نَارُ! كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (الانبیاء، ۶۹)

نکته: «سَلَامًا: عَلامَةُ الْمُسَالَمَةِ» (لسان العرب، ذیل واژه «سلم»)، ... سَلِيمٍ مِّن ... (المنجد،

ذیل واژه «سلم»)، آرامش، امنیت (لاروس، ذیل واژه «سلام»)

آیتی: گفتیم: ای آتش، بر ابراهیم خنک و سلامت باش.

تقدّم‌الذی ترجمه‌ای قرآن کریم ۱۹۱۱۱

حداد عادل: ما (نیز) گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت باش.

خرمشاهی: گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو.

فولادوند: گفتیم ای آتش برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش.

مکارم شیرازی: گفتیم: ای آتش سرد و سالم بر ابراهیم باش.

تقیه: البته ما فرمان دادیم که ای آتش! بر ابراهیم سرد و خاموش شو.

«أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ» (الحجر، ۴۶)

آیتی: به سلامت و ایمنی داخل، شوید.

حداد عادل: (گوییم) به سلامت و آسودگی بدانجا پای نهد.

خرمشاهی [به آنان گویند] به سلامت و در امن و امان به آنجا درآید.

فولادوند: [به آنان گویند] با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید.

مکارم شیرازی: (فرشتگان الهی به آنها می گویند) داخل این باغها شوید با سلامت و امنیت.

تقیه: با آرامش و مطمئن به آن جا وارد شوید.

«فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» (الاعراف، ۳۴)

نکته: **سَاعَةً: الْوَقْتُ الْحَاضِرُ** (الرائد، واژه «الساعة») «ساعت» در زبان فارسی به معنای

«هنگام، لحظه، دم، یک دوازدهم شب یا روز و ...» «معین، ذیل واژه «ساعت» آمده است.

آیتی: هر امتی را مدت عمری است. چون اجلشان فراز آید، یک ساعت پیش و پس نشوند.

حداد عادل: هر امتی را مهلتی است و چون مهلتشان به سر آید ساعتی دیر یا زود نتوانند کرد.

خرمشاهی: و هر امتی را اجلی است، چون اجلشان فرارسد نه ساعتی پس افتند و نه ساعتی پیش

افتند.

فولادوند: و برای هر امتی اجلی است پس چون اجلشان فرا رسد نه [می توانند] ساعتی آن را

پس اندازند و نه پیش.

۲۰ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۰۱ و ۱۰۲

مکارم شیرازی: برای هر قوم و جمعیتی زمان و مدت (معینی) است و به هنگامی که مدت آنها فرارسد نه ساعتی از آن تاخیر می کنند و نه بر آن پیشی می گیرند.
تقیه: البته مرگ هر امتی فرا خواهد رسید. اگر زمانش فرا برسد، آن و لحظه ای پس و پیش نخواهد شد.

«وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (الانفال، ۴۴)

نکته: آیا ترجمه، روشن است؟ نیاز به تفسیر ندارد؟ آیه مبارک، تحت لفظ ترجمه شده است.

آیتی: و همه کارها به خدا بر می گردد.

حداد عادل: و کارها (سرانجام) به سوی خدا بر گردانده می شود.

خرمشاهی: و همه کارها به او باز می گردد.

فولادوند: و کارها به سوی خدا باز گردانده می شود.

مکارم شیرازی: و همه کارها به خداوند باز می گردد.

تقیه: سرنوشت همه کارها به دست خداست.

«وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران، ۲۸)

نکته: الْمَصِيرُ: مُنْتَهَى الْأَمْرِ وَ عَاقِبَتُهُ (المنجد فی اللغة و الأعلام، ذیل واژه «صار») و به

معنای «سرنوشت و روند» می آید.

آیتی: و آنگاه به نزد خود باز می گرداند.

حداد عادل: و بازگشت به سوی خداست.

خرمشاهی: و بازگشت به سوی خداوند است.

فولادوند: و بازگشت [همه] به سوی خداست.

مکارم شیرازی: و بازگشت (شما) به سوی خداست.

تقیه: زیرا سرنوشت همه به دست خداست.

«وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» (المائدة، ۱۳)

تقدّمی بر ترجمه‌های قرآن کریم ۲۱۱۱۱

نکته: تحت لفظ ترجمه کردن کار ساده ای است ولی درست ترجمه کردن کار هر کسی نیست.

آیتی: ودلهایشان را سخت گردانیدیم.

حداد عادل: و دلهایشان را سخت گردانیدیم.

خرمشاهی: و دلهایشان را سخت گردانیدیم

فولادوند: دلهایشان را سخت گردانیدیم.

مکارم شیرازی: و دلهای آنها را سخت و سنگین نمودیم.

تقیه: و آنها را سنگدل کردیم.

«قَالُوا: يَا مُوسَى! اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ. قَالَ: إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»

(الأعراف، ۱۳۸)

نکته: «تَجْهَلُونَ مِنَ الْجَهْلِ: الْغَرَبُ.» (المنجد فى اللغة و الأعلام، ذیل واژه «جهل») سرکشی،

نافرمانی، نپذیرفتن. چون در آیه مبارک به «ایمان» اشاره می کند یعنی باور داشتن و نپذیرفتن.

پس در مقابل «جهل» را به معنای «سرکشی و نپذیرفتن» می آورد.

به نظر می رسد «جهل و مشتق های آن» را در قرآن نباید به معنای «نادانی» ترجمه کرد بلکه باید

«سرکشی، نپذیرفتن و ...» ترجمه نمود. «العصر الجاهلی» یعنی عصر سرکشی در برابر عصر

اسلامی یعنی عصر پذیرش است. پس چرا ما آن را نادان ترجمه کنیم؟ اتفاقاً عصر جاهلی از

نظر فرهنگی متفاوت از چیزی است که ما با «جهل» مترادف می دانیم زیرا آنها در نوع خودشان

مترقی بودند! ادبیات بی مانندی داشته، و یا مانند امروزی ها فرهنگ خاص خود از جمله،

حرکات موزون داشتند! و از سوی دیگر کلمه «اسلام» یعنی پذیرفتن. بنا بر این اصطلاح

«جاهلی» در برابر اصطلاح «اسلام» قرار می گیرد. همه ما بارها شنیده ایم و گفته ایم: «جوانی و

جاهل!» اینجا، «جاهل» به معنای نادان نیست. بلکه به معنای «سرکش و نافرمان» است.

آیتی: گفتند: ای موسی، همان طور که آنها را خدایانی است برای ما هم خدایی بساز گفت: شما مردمی بی خرد هستید.

حداد عادل: آنان به موسی گفتند همچنان که اینها خدایانی دارند تو هم برای ما خدایی درست کن. موسی گفت به راستی مردمی نادانید.

خرمشاهی: {بنی اسرائیل} گفتند ای موسی برای ما خدایی قرار بده چنانکه آنان خدایانی دارند گفت به راستی قومی نادان هستید.

فولادوند: گفتند ای موسی همان گونه که برای آنان خدایانی است برای ما [نیز] خدایی قرار ده گفت راستی شما نادانی می کنید.

مکارم شیرازی: (در این هنگام بنی اسرائیل) به موسی گفتند توهم برای ما معبودی قرار ده همانگونه که آنها معبودان (و خدایان دارند!) گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید.

تقیه: اسرائیل زادگان گفتند که ای موسی! برایمان معبودی همانند بت های آنها بساز. موسی گفت بی گمان شما قومی سرکش و گستاخ هستید.

«وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ، وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران، ۵۴)

نکته: مَكْرٌ مِنَ الْمَكْرِ: مِنَ اللَّهِ جَزَاءٌ (لسان العرب، ذیل واژه «مکر»)، «مَكْرٌ» در زبان فارسی به معنای «خدعه، فریب، فریفتن» (معین، واژه «مکر») آمده است. به نظر می رسد «مکر و مشتق های آن» دو معنا دارد: الف - منفی، مکر، نقشه کشیدن، دسیسه چینی، فریبکاری، حيله کردن. ب - معنای مثبت، سزای کار دادن، چاره اندیشی. بی گمان معنای دوم زبینه خدای متعال است.

آیتی: آنان مکر کردند، و خدا هم مکر کرد، و خدا بهترین مکرکنندگان است.
حداد عادل: (یهودیان) ترفندی زدند و خدا (در برابر آنان) ترفندی زد و خدا از همه بهتر ترفند می زند..

تقدّمی بر ترجمه‌های قرآن کریم ۲۳۱۱۱

خرمشاهی: و [منکران] مکرورزیدند و خداوند هم [در پاسخشان] مکر در میان آورد، و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

فولادوند: و [دشمنان] مکر ورزیدند، و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد، و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

مکارم شیرازی: و (یهود و دشمنان مسیح، برای نابودی او و آیینش)، نقشه کشیدند؛ و خداوند (بر حفظ او و آیینش)، چاره‌جویی کرد؛ و خداوند، بهترین چاره‌جویان است.

تقیه: کافران نقشه کشیدند ولی خداوند توطئه آنها را نقش بر آب کرد؛ زیرا خداوند بهترین چاره‌جوست.

«وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (النساء، ۶۰)

نکته: «بَعِيدًا: غَايَةُ الْبُعْدِ.» (لسان العرب، ذیل واژه «بعد») به معنای «بی پایان» است.

آیتی: شیطان می خواهد گمراهشان سازد و از حق دور گرداند.

حداد عادل: ولی شیطان می خواهد آنان را به نهایت گمراهی بکشاند.

خرمشاهی: و شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشاند.

فولادوند: و [لی] شیطان می خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد.

مکارم شیرازی: و شیطان می خواهد آنها را شدیداً گمراه کند، و به بیراهه‌های دور دستی بیفکند.

تقیه: زیرا شیطان می خواهد آنان را به گمراهی بی پایان بکشاند.

«... وَ اسْتَقِيمَ كَمَا أَمَرْتُمْ...» (الشوری، ۱۵)

نکته: «اسْتَقِيمَ مِنَ الْإِسْتِقَامَةِ: التَّوَجُّهُ إِلَيْهِ دُونَ الْإِلَهَةِ... اِعْتَدَلَ وَ اسْتَوَى... عَمِلُوا

بِطَاعَتِهِ» (لسان العرب، ذیل واژه «قوم»)

آیتی: و چنان که فرمان یافته‌ای پایداری ورز.

حداد عادل: و پایدار بمان بدان گونه که مأموری.

۲۴ // دو فصلنامه مطالعات تعدادی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۱ و ۱۲

خرمشاهی: و چنانکه دستور یافته‌ای پایداری کن.

فولادوند: و همان گونه که ماموری ایستادگی کن.

مکارم شیرازی: و آنچه‌ان که مامور شده‌ای استقامت نما.

تقیه: ... و - با توجه به حکم خدا و - وظیفه ات در راه راست حرکت کن.

«فَلَا نَقِيْمٌ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا» (الکھف، ۱۰۵)

نکته: «نَقِيْمٌ وَزَنًا: أَي خِفَّةٌ موازينهم من الحسنات (لسان العرب، ذیل واژه «وزن»)»

امروز عرب زبان‌ها به معنای «ارزشی ندارد، برایش ارزش و اعتباری قائل نمی‌شویم.» بسیار به

کار می‌برند.

آیتی: و ما در روز قیامت برایشان منزلتی قائل نیستیم.

حداد عادل: و ما نیز روز قیامت به کارهای ایشان وزنی نخواهیم داد.

خرمشاهی: لذا روز قیامت وزنی برای آنان قائل نیستیم.

فولادوند: و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد.

مکارم شیرازی: لذا روز قیامت میزانی برای آنها برپا نخواهیم کرد.

تقیه: بنا بر این ما روز رستاخیز برایشان ارزشی در نظر نخواهیم گرفت.

«وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ» (الأنعام، ۹۸)

نکته: بهتر است چند بار ترجمه‌ها را بخوانید. نگارنده مقاله نفهمید که چه می‌گویند. زیرا

ترجمه‌ها بسیار گنگ و پیچیده‌اند.

آیتی: و اوست خداوندی که شما را از یک تن بیافرید. سپس شما را قرارگاهی است و

ودیعت جایی است.

حداد عادل: و او آن خدایی است که شما را از یک تن واحد پدید آورد. چه آنان که (در

زمین) قرار گرفتند و چه آنان که (در پشت پدرانشان) نهاده شده‌اند.

تقدّمی بر ترجمه‌های قرآن کریم ۲۵۱۱۱

خرمشاهی: و اوست که شما را از تن یگانه‌ای پدید آورد و آنگاه [شما را] قرار گاه و ودیعت گاهی است.

فولادوند: و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد. پس [برای شما] قرار گاه و محل امانتی [مقرر کرد].

مکارم شیرازی: او کسی است که شما را از یک نفس آفرید! و شما دو گروه هستید: بعضی پایدار (از نظر ایمان یا خلقت کامل)، و بعضی ناپایدار.

تقیه: و خداوند شما را از تک سلول و اسپرم آفرید. سپس دو گروه شدید: الف - گروه در آرامش و ایمن - (آخرت گرا) - ب - گروه ذخیره و ناامن (دنیا دوست).

«وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ» (البقره، ۲۸۲)

نکته: «كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ: مَأْمُورٌ عُمُومِيٌّ مُنَوَّطٌ بِهِ أَنْ يُحَرِّزَ فِي دَائِرَةِ اِخْتِصَاصِهِ جَمِيعَ الْعُقُودِ.» (المنجد في اللغة العربية المعاصرة، ذیل واژه «کتب») امروز عرب زبان‌ها آن را «محضر دار، دفتر ثبت» می‌گویند. بنا بر این باید به بدون خلل در متن اصلی به روز ترجمه کرد. تا ترجمه دلنشین گردد نه مبهم، پیچیده و ناروان که خود مترجم نمی‌داند چه ترجمه کرده است.

آیتی: و باید در بین شما کاتبی باشد که آن را به درستی بنویسد.

حداد عادل: و باید میان شما کاتبی باشد که عادلانه بنویسد.

خرمشاهی: و باید نویسنده‌ای در میان شما دادگرانه آن را بنویسد.

فولادوند: و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد.

مکارم شیرازی: و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد!

تقیه: باید آن را در دفتر محضر ثبت کنید.

«وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (النور، ۵۴)

نکته: گره برداری نحوی، به معنای نابود کردن زبان مقصد است. «مَا ... إِلَّا = إِنَّمَا» ادات حصر، به معنای «تنها، فقط» است. و برای قسمت دوم جمله می آید. «الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» به معنای «اطلاع رسانی شفاف» ترجمه می شود.

آیتی: و بر پیامبر جز تبلیغ آشکار هیچ نیست.

حداد عادل: بر (عهده) پیامبر جز رساندن روشن پیام نیست.

خرمشاهی: و بر پیامبر جز پیام رسانی آشکار نیست.

فولادوند: و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [ماموریتی] نیست.

مکارم شیرازی: و بر پیامبر چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.

تقیه: از این رو وظیفه پیامبر، تنها اطلاع رسانی شفاف است.

«قُلْ: هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» «اللَّهُ الصَّمَدُ» «لَمْ يَلِدْ. وَ لَمْ يُولَدْ» «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»

(الإخلاص، ۴ - ۱)

نکته: پیشتر در این پژوهش گفته شد که مترجم باید بر زبان های مبدأ و مقصد تسلط داشته باشد. بنا بر این «هُوَ: ضمیر شأن» (تقیه، ۱۳۹۰، ۱۴۸) است. مانند ضمیر عادی به «او، همان» ترجمه نمی شود. و الصَّمَدُ: الدَّائِمُ الْبَاقِي ... الَّذِي لَا يَطْعَم ... لَا يَسْتَعْنِي عَنْهُ شَيْءٌ (لسان العرب، ذیل واژه «صمد»)

آیتی: بگو: اوست خدای یکتا، خدایی که در، حاجت به او رو کنند، نه زاده است و نه زاده شده، و نه هیچ کس همتای اوست.

حداد عادل: بگو او خداوند یکتاست. خداوند بی نیازی که روی بدو آرند. نه فرزند زاده و نه زاده شده است. و نه کس همتای وی باشد.

خرمشاهی: بگو او خداوند یگانه است. خداوند صمد. نه فرزند آرد و نه از کسی زاده است. و او را هیچ کس همتا نیست.

تقدیر مقابله‌ای ترجمه‌های قرآن کریم ۲۷۱۱۱

فولادوند: بگو اوست خدای یگانه. خدای صمد [ثابت متعالی]. [کسی را] نزاده و زاده نشده است. و هیچ کس او را همتا نیست.

مکارم شیرازی: خداوند یکتا و یگانه است. خداوندی است که همه نیازمندان قصد او می‌کنند: نژاد و زاده نشد. و برای او هرگز شبیه و مانندی نبوده است.

تقیه: - ای رسول خدا!! - به مردم بگو که موضوع مهم یگانگی، پایدار و همیشگی، نزیایدن، زاییده نشدن و بی‌همتایی خداوند است.

۴ - چند پیشنهاد

پژوهشگر این مقاله با توجه به منابع موجود و بنا بر تجربه‌های گوناگون خود در زمینه ترجمه کوشیده است تا به پژوهش و بررسی یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین موضوع فرهنگ‌نگاری مورد نیاز جامعه امروز یعنی ترجمه‌شناسی و نقد ترجمه‌ها بپردازد. بنا بر این در پایان از روی دلسوزی و خیرخواهی سفارش‌هایی دارد که می‌تواند برای دست‌اندرکاران ترجمه‌های قرآن کریم راهنما و تأمل‌برانگیز باشد. زیرا هدف و انگیزه پایانی این مقاله برانگیختن و جلب توجه همه دست‌اندرکاران علوم قرآنی از جمله: قاریان، مترجمان، پژوهشگران، دانشمندان دینی دانشگاهی و حوزوی، نهادهای پژوهشی، خانه‌های قرآن، مسؤولان فرهنگی دولتی و غیر دولتی و ... است.

البته اگر به قرآن کریم باور عملی دارند و در این زمینه کار می‌کنند، باید چند راه در پیش گیرند:

الف) باید تحولی ساختاری و بنیادین در نگاه به ترجمه‌های متون مقدس و دینی به ویژه قرآن کریم - که رکن اصلی فرهنگ شمرده می‌شود - انجام گیرد.

ب) مشارکت همه جانبه دست‌اندرکاران به ویژه منتقدان، مترجمان، پژوهشگران و دانشمندان دینی حوزه و دانشگاه در بهبود، گسترش و رهایی از فضای کنونی ترجمه‌ها بسیار سازنده و تأثیرگذار خواهد بود.

۱۲۸ // فصلنامه مطالعات تفریحی / سال دوازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ شماره ۱۰۱ و ۱۰۲

ج) بهتر است برخی مترجمان به جای رونویسی از روی دست یکدیگر، کار ترجمه قرآن را به نخبگان و متخصصان بسپارند. باید مسئولیت بخش علوم قرآنی کشور - به ویژه بخش ترجمه - به دست نخبگان و متخصصان داده شود و نه پخمگان و نامتخصصان!

د) روشمند و علمی - آکادمی کردن ترجمه های قرآن با نگاه تخصصی

ه) البته به نظر می رسد در سال های اخیر دست اندرکاران ترجمه قرآن کریم قصد داشته اند گام های جدی و خوبی در حوزه ترجمه متون اسلامی بردارند ولی تا زمانی که رانت و مافیای چنگ انداخته بر آن را ریشه کن نکنند تلاش هایشان بی نتیجه، بیهوده است.

تقدّمات برای ترجمه های قرآن کریم ۲۹۱۱۱

کتابشناسی

قرآن کریم، ترجمه محمد حسن تقیه (در دست چاپ)
آیتی، عبدالمحمّد. (۱۳۷۴). «ترجمه قرآن کریم»، تهران: انتشارات سروش، چاپ چهارم
ابن منظور. (بی تا). «لسان العرب»، لبنان، بیروت: دار صادر
أنیس، ابراهیم و ... (۱۹۸۷). «المعجم الوسیط»، لبنان، بیروت: انتشارات امواج
جُرّ، خلیل. (۱۳۶۷). «فرهنگ لاروس»، ترجمه حمید طیبیان، تهران: انتشارات امیر کبیر
حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۹۰). «ترجمه قرآن کریم»، مشهد: آستان قدس رضوی
حموی، صبحی و ... (۲۰۰۱). «المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة»، لبنان، بیروت: دار المشرق
خرمشاهی، عبد الصمد. (۱۳۸۲). «ترجمه قرآن کریم»، تهران: ناشر: گلشن، چاپ دوم
شرتونی، رشید. (۱۳۹۰). «مبادئ العربیة ج. ۴»، محمد حسن تقیه: ترجمه، شرح، حل تمرین و ...، شیراز:
انتشارات نوید

فولادوند، محمد مهدی. (۱۳۸۴). «ترجمه قرآن کریم» قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ پنجم
مسعود، جبران. (۱۹۸۶). «الرائد»، لبنان، بیروت: دار العلم للملایین
معلوف، لویس. (۱۹۸۷). «المنجد فی اللغة و الأعلام»، لبنان، بیروت: دار المشرق
معین محمد. (۱۳۸۶). «فرهنگ فارسی معین»، چاپ نهم، تهران: انتشارات امیر کبیر
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). «ترجمه قرآن کریم»، قم: دار القرآن الکریم، چاپ دوم